

# سند ساختار جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک یک ایران

## مصوب گردهم‌آیی نهم

۱۱ تا ۱۲ مه ۲۰۱۹ - ۲۱ تا ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۸

**توضیح:** یکی از اسناد مصوبه نهمین گردهمایی جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، سند ساختار است که با اضافه شدن یک سطر\* در سند ساختار پیشین (در بند ۴- نهاد محلی)، با رای بیش از شصت در صد به تصویب رسید.

\* (- همراهانی که واحد محلی ندارند، می‌تواند عضو یکی از واحد های موجود شوند و از طریق اینترنت در نشست های آن واحد شرکت کنند.)

۱ - نام: - جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران (مخفف آن " ج ج د ل ا")

۲ - تعریف: - جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران برای جمهوری، دموکراسی، لائیسیت، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی در همه زمینه‌ها از جمله برابر حقوقی جنسیتی در ایران مبارزه می‌کند. جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران جنبشی است کثرت‌گرا، فراگیر، علنی و مستقل که در آن همراهان از خاستگاه‌ها و افق‌های گوناگون گرد آمده‌اند تا با جایگاهی برابر، ابتکارات فردی و کوشش‌های جمعی و داوطلبانه خود را در عرصه‌های نظری و عملی از راه‌های دموکراتیک و بر مبنای اسناد پایه مصوب گردهم‌آیی‌های سراسری به پیش برند.

۳ - همراه: کسی است که خود را جمهوریخواه دموکرات و لائیک می‌داند و به‌گونه‌ای با این جنبش در پیوند است. مبنای مشارکت همراهان اراده‌ی آزاد و داوطلبانه، پذیرش مسئولیت و

پاسخ‌گوئی نسبت به آن است. توصیه می‌شود همراهان حداقل ماهانه پنج یورو (یا سالانه شصت یورو) به صندوق مالی بپردازند. مشارکت در کوشش‌های جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران، فردی و صرف‌نظر از وابستگی یا عدم وابستگی افراد به احزاب، سازمان‌ها و انجمن‌های دیگر است. همراهان همه جا از حقوق یکسان برخوردارند، از جمله حق انتخاب کردن و انتخاب شدن.

**۴- نهاد محلی:** - همراهان می‌کوشند برای پیشبرد فعالیت‌ها در محل اقامت خویش، نهادهای محلی به‌وجود آورند. نهادها در همه تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب روش‌های کار خویش، خود مختارند، تعلق آن‌ها به "ج ج د ل ا" بر مبنای اسناد پایه و مصوبات نشست سراسری است. نهادها در اتخاذ مواضع سیاسی و انتشار آن‌ها به نام واحد محلی خود در صورت وجود تفاهم و یا احراز اکثریت آراء آزادند. اقلیت برای دفاع از نظرات خود و تبلیغ علنی آن می‌تواند از همه امکانات جنبش استفاده کند.

- همراهانی که واحد محلی ندارند، می‌توانند با یکدیگر واحد منفردین تشکیل دهند. (تبصره ۱)

- همراهانی که واحد محلی ندارند، می‌توانند عضو یکی از واحد‌های موجود شوند و از طریق اینترنت در نشست‌های آن واحد شرکت کنند.

- واحدهای محلی در سطوح شهری یا کشوری برپایه سند سیاسی و سند ساختار، تشکیل می‌شوند و در چارچوب این دو سند، در تمام فعالیت‌های خویش، خود مختارند.

- حد نصاب واحد‌های محلی ۵ نفر است.

- مسئولیت موضع‌گیری‌های سیاسی واحدهای محلی بر عهده خود این واحدها است.

- نماینده، نمایندگان یا رابطین واحدهای محلی در شورای هماهنگی با رای اکثریت همراهان این واحدها انتخاب و در صورت لازم تعویض می‌شوند

تبصره ۱: حقوق و وظایف واحدهای محلی در مورد واحد مجازی نیز صادق می‌باشد.

## ۵- گروه‌های کار

### ۱-۵ ترکیب و چگونگی شکل‌گیری:

۵-۱-۱ مسئولان گروه‌های کاری در گردهمایی سراسری انتخاب می‌شوند.  
۵-۱-۲ مسئولان گروه‌های کاری با توجه به حجم کاری گروه، تعداد

اعضای خود را در هر مقطع زمانی می توانند انتخاب کنند.  
۳-۱-۵ انتخاب اعضای گروه‌های کاری از میان داوطلبان، متناسب با فعالیت های گروه با مسئول گروه و با تائید شورای هماهنگی است. ( تبصره ۱)

۴-۱-۵ تصمیم گیری های گروه بر اساس رأی اکثریت تشکیل دهنده گروه قابل اجراست. (تبصره ۲)

۵-۱-۵ سه بار غیبت غیر موجه همراه داوطلب در جلسات گروه‌های کاری، می‌تواند با تصمیم جمعی گروه، منجر به حذف همراه از گروه شود.

تبصره ۱: بعد از تشکیل گروه‌های کاری، در خواست جدید از همراهان برای شرکت در گروه‌های کاری با تصمیم اکثریت گروه است.

تبصره ۲: در صورت برابری آرا، نظر مسئول گروه راه گشاست. بر این اساس توصیه می‌شود که تعداد اعضای گروه ها فرد باشد.

## ۲-۵ وظایف و اختیارات:

۵-۲-۱ گروه کار "سیاسی" به سهم خود موظف است در تدارک بحث‌های علنی پیرامون مضامین مطرح در اندیشه جمهوری خواهی و پیشبرد مباحثی که نشست سراسری مشخص می‌کند، بکوشد.

۲-۲-۵ گروه "ارتباطات" نهاد ارتباطی سراسری و عهده دار مناسبات جنبش با نیروها و مجامع ایرانی و خارجی بوده، موظف است در معرفی جنبش به افکار عمومی ایرانی و خارجی بکوشد.

۳-۲-۵ گروه "سایت و شبکه‌های اجتماعی" بازتاب دهنده افکار جنبش جمهوری خواهی پیرامون مضامین پایه ای آن، مثل جمهوری خواهی، دموکراسی و لائسیته می‌باشد.

۴-۲-۵ گروه‌های کاری آئین‌نامه‌ی داخلی خود را تدوین می کنند. آئین‌نامه انتشار علنی خواهد یافت.

۵-۲-۵ گروه‌های کاری در تصمیم گیری‌ها و انتخاب روش‌های کار خویش (در چار چوب موازین ج.ج.د.ل.ا) خود مختار هستند.

۶-۲-۵ مسئولین گروه‌های کاری موظفند گزارش کاری گروه خود را به همراهان، شورای هماهنگی و گردهمایی سراسری ارائه دهند.

۷-۲-۵ در نبود گردهمایی سراسری، فقط شورای هماهنگی می‌تواند برکل فعالیت گروه‌ها، در صورت عدم تناسب فعالیت آنها، بر طبق سند ساختار و سیاسی، ناظر و تصمیم گیرنده باشد.

## ۶ - گرایش‌های سیاسی - نظری

همراهان هم نظر می‌توانند در محدوده توافقات سند سیاسی در گرایش‌های گوناگون خود را متشکل نموده و از تمام امکانات جنبش

برای تبلیغ علنی نظرات خود استفاده کنند و اعلام موضع نمایند.

## ۷- شورای هماهنگی

تعریف: شورای هماهنگی فعالیتهای نهادهای گوناگون ج.ج.د.ل.ا را هماهنگ می‌کند.

### ۱- ۷ ترکیب و چگونگی شکل‌گیری

شورای هماهنگی، مرکب از مسئولان گروه‌های کاری (برگزیده در نشست سراسری) و رابط‌های (نمایندگان) واحدها می‌باشد.

تبصره ۱: واحدها تا ده عضو از حق داشتن یک نماینده و بیش از ده عضو دو نماینده در شورای هماهنگی برخوردارند.

تبصره ۲: در صورتی یک واحد نماینده دومی را به شورای هماهنگی می‌فرستد که از میان مسولین گروه کار تشکیل دهنده شورای هماهنگی در گرد همائی سراسری فردی از این واحد حضور نداشته باشد.

تبصره ۳: در گردهمائی سراسری یا حداکثر پس از دو هفته پس از گردهمائی سراسری، واحدهای محلی و منفردین، رابط‌های (نمایندگان) خود را برای تشکیل شورای هماهنگی معرفی می‌کنند.

### ۲- ۷ وظائف و اختیارات

۱- ۲ - ۷ شورای هماهنگی عهده دار پیشنهاد و تدارک کارزارهای سراسری است.

۲- ۲ - ۷ شورای هماهنگی در تبادل نظر با همراهان، برنامه کار مشترکی را تدوین و زمانبندی کرده، برای فعالیت به همراهان ارائه داده و سازماندهی و تحقق آن را پیگیری می‌کند.

۳- ۲ - ۷ شورای هماهنگی هر ماه نشستی مجازی با همراهان برگزار می‌کند تا نسبت به رویدادهای سیاسی ملی و بین‌المللی و مضمون واکنشی که باید نشان داد، از آنان نظرخواهی کند. در صورت تشخیص لزوم انتشار بیانیه، گروه کار سیاسی با توجه به تمایلات و اظهار نظر همراهان حاضر در نشست، متن را تدوین و به شورای هماهنگی ارایه می‌دهد. شورای هماهنگی می‌تواند در آن تغییرات و تصحیحاتی را که لازم می‌داند وارد کرده، بیانیه را به نام شورای هماهنگی انتشار دهد.

۴- ۲- ۷ تصمیمات در شورای هماهنگی به اتفاق آرا گرفته می شود. در صورتی که اتفاق آرا حاصل نشود، رای اکثریت مبنای تصمیمات خواهد بود.

## ۸- مشارکت زنان

برای عملی شدن امر سهمیه بندی:

در پیروی از مصوبه نخستین گردهمائی سراسری مبنی بر پذیرفتن سهمیه ۵۰ درصدی زنان، که هدف جنبش می باشد و مشارکت متساوی زنان و مردان، در تمام نهادهای انتخابی و عرصه های فعالیت جمعی، در صورتی که تعداد شرکت کنندگان زن در نشست های همگانی محدود بود، کوشش میشود حتی المقدور در نهادهای انتخابی به هدف ۵۰ درصد نزدیک شد.

## ۹- گردهمائی سراسری

- گردهمائی سراسری، بالاترین نهاد «جنبش» است.
- گردهمائی سراسری عادی سالانه، به دعوت شورای هماهنگی و با شرکت حضوری و محازی همراهان و به صورت علنی برگزار میشود.
- گردهمائی سراسری، در تمام امور جاری سیاسی و تشکیلاتی تصمیم گیری میکند و تصمیماتش را با پشتیبانی آرای اکثریت همراهان حاضر به اجرا می گذارد.
- در گردهمائی سراسری عادی، بر مبنای گزارش شورای هماهنگی، فعالیت آتی جنبش مورد بحث و بررسی همراهان قرار می گیرد و راستای حرکت آینده تعیین میشود.
- گردهمائی سراسری فوق العاده به درخواست بیست درصد از همراهان برگزار میشود.

## ۱۰- نحوه انتخابات در گردهمائی سراسری

- حداقل رای لازم برای انتخاب کاندیداهای مسئولان گروه های کاری ۲۰ درصد آرای حاضران در جلسه می باشد.
- برای هر گونه تغییر در سند سیاسی و یا سند ساختار، تصمیمات با اکثریت بیش از شصت درصد همراهان حاضر به تصویب میرسد.

# اطلاعیه جنبش خواهان دموکرات و لائیک ایران

13 مرداد 1398 - 4 اوت 2019

در ژوئیه ۲۰۱۹ (تیر ماه ۱۳۹۸)، برخی رسانه‌های خارجی به زبان فارسی اخباری درباره ملاقات بین چهار سازمان کردستان ایران با نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی ایران منتشر کردند.



با توجه به نکات پر اهمیت سیاسی چه در مورد فوق و چه برخی موضوعات سیاسی دیگر، ما وظیفه‌ی خود می‌دانیم که مواضع اصولی و دیدگاه‌هایمان را به مثابه بخشی از اپوزیسیون مترقی ایران در خارج از کشور اعلام داریم:

۱- ما هر گونه مذاکره با رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی ایران، به هر شکل، ترتیب و توجیه، چه مخفی و چه علنی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، از سوی هر سازمان یا حزب اپوزیسیونی را شدیداً محکوم می‌کنیم. همواره این گونه مذاکرات به نفع ادامه‌ی حیات دیکتاتوری‌ها و به زیان جنبش عمومی و سراسری و متحد مردم برای رهایی خود تمام شده و می‌شوند. هر گونه رفتار مماشات‌طلبانه با رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دوباره به توهم اصلاح‌پذیری نظام و امکان مبارزه‌ی اصلاح‌طلبانه در چهارچوب این سیستم، که با امواج جنبش‌های اعتراضی مردم بی‌اعتبار شده‌اند، دامن بزند.

۲- ما مخالف هر گونه دخالت قدرت‌های بزرگ در امور ایران هستیم. ما سیاست‌های دخالت‌گرانه و برتری‌خواهانه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، سیاست‌های سلطه جویانه و سیادت طلبانه‌ی آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی (روسیه، چین و اتحادیه اروپا) و هم چنین قدرت‌های منطقه‌ای (عربستان سعودی، اسرائیل...) را شدیداً محکوم می‌کنیم. ما مخالف جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی و آمریکا و دیگر

قدرت‌ها در منطقه هستیم. ما معتقدیم که سرنوشت مردم خاورمیانه از جمله مردم ایران باید تنها و تنها به دست خود آنان، بدون دخالت‌ها و آلترناتیوسازی‌های قدرت‌های جهانی، تعیین شود.

۳- ما خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط خودِ مردمان ایران از راه جنبش‌های اجتماعی، مدنی، انجمنی و احزاب آن‌ها هستیم. ما از هیچ کوششی برای پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی مردم در داخل کشور، مانند جنبش‌های زنان، دانشجویان، کارگران و اقوام تحت ستم و تبعیض، در راه رسیدن به آزادی، جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین (لائسیته)، عدالت اجتماعی و دولتی غیر متمرکز دریغ نخواهیم کرد.

## جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

13 مرداد 1398 - 4 اوت 2019

---

# بیانیه‌ی سیاسی جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

8 ژوئیه ۲۰۱۹ - 17 تیر 1398

### ایران در سراسیمی و رشکستگی اقتصادی

تداوم سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی فشار را بر گرده اقتصاد و زندگی بخش بزرگی از مردم در چهل سال گذشته وارد آورده است. در مجموع این سیاست‌ها به صورت فراگیر اقتصاد را به شکل‌های مختلف زیر فشار قرار داده‌اند تا راه برای انباشت و سود قدرت‌های اقتصادی حاکم و اقلیتی بسیار ثروتمند باز شود. در نتیجه درآمد و توان پس‌انداز خانوارها که شاخص زندگی و رفاه بشمار می‌آید به شدت کاهش پیدا کرده است. رکود اقتصادی در ایران، بیداد می‌کند. این

رکود به معنای سقوط سطح تولید صنایع، افت محصولات کشاورزی، ورشکستگی بانک‌ها، بیکاری گسترده، بی‌اعتمادی به بازار و آینده‌ی سرمایه‌گذاری است. افت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، فساد اداری بصورت رانت خواری نورچشمی‌های نظام اسلامی، سوء‌مدیریت بنگاه‌های خصوصی، کاهش چشم‌گیر تولید ناخالص داخلی، سقوط توان تولیدی را دامن زده و به بیکاری و از بین رفتن امکانات معیشتی منتهی شده است.

## رشد فقر و نابسامانی‌های اجتماعی

امروزه قیمت کالاهای مورد احتیاج مردم بخاطر بی‌ارزش شدن ریال و تورم و وابستگی اقلام معیشتی مردم به واردات و صادرات آن چندین برابر شده است. نظام اسلامی برای رفع این معضل، دلارهای نفتی را به قیمت پایین در اختیار خودی‌ها قرار داد و آن‌ها ارز حاصله از فروش را به جیب زده و مشکلات را بیش‌تر کردند. افزایش هزینه مسکن و کاهش سطح واقعی دستمزدها و نیز بیکاری و ناکافی بودن درآمدهای کارهای موقت و کشاورزی در سال گذشته موجب کوچ خانوارهای کارگری و کم‌درآمد به مناطق حاشیه‌نشین شد است. علاوه بر این ناچیز بودن برنامه‌های عمرانی روستاها و شهرهای مناطق محروم و مرزی کشور و تشدید بحران محیط زیست، بانی مهاجرت میلیونی ساکنین این مناطق به کلان‌شهرها شده و حاشیه‌نشینی را به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش داده است. تنها در سال گذشته به جمعیت حاشیه‌نشینان بیش از یک میلیون تن اضافه شده و تعدادشان از ۱۹ میلیون نفر گذشته است. به گفته کارشناسان اقتصادی ایران خط فقر مطلق برای یک خانوار ۴ نفره شهری در کشور حداقل ۴ میلیون تومان در اوایل سال گذشته اعلام شده بود. بر این اساس بیش از ۳۳٪ مردم ایران یعنی در حدود ۲۸ میلیون نفر دست به گریبان فقر و بخاطر رشد منفی اقتصادی و نبود کار ناتوان از بیرون آمدن از زیر خط فقر هستند. به این وضعیت فلاکت بار باید پیامد‌های فاجعه بار زلزله دو سال گذشته و سیلاب‌های بهار امسال را در بسیاری از استان‌های کشور اضافه کرد که به علت اجرای سیاست‌های غلط توسعه عمرانی ناپایدار و بدون رعایت معیارهای استاندارد محیط زیستی موجب ویرانی بی‌حد زیرساخت‌های شهرها و روستاها شد و دار و ندار هزاران خانوار تهیدست و زحمتکش را که در طول عمر خود با زحمت زیاد اندوخته بودند، به آب داد. اعتراض‌های به حق مردم سیل زده به سوء‌مدیریت و ناکارائی مدیریت بحران در تامین سرپناه، غذا، پوشاک و بهداشت و ایدئولوژیک برخورد کردن به



کمک‌های انسان‌دوستانه خارجی و رد پذیرش آن‌ها با یورش نیروهای سرکوب روبه‌رو شد. تلاش‌ها و همیاری و امداد رسانی مستقل مردمی و نهادهای غیردولتی با برقراری فضای امنیتی مورد پیگرد و دستگیری نیروهای ضربتی رژیم قرار گرفت و اجناس ارسالی آن‌ها نیز به نفع خودی‌هایشان مصادره شد.

## اوضاع بحرانی ایران و خاورمیانه

منطقه خاورمیانه در صد سال گذشته بحران‌های ژئوپلیتیکی متعددی را پشت سر گذاشته است. این بحران‌ها در بسیاری از موارد با مداخلات مستقیم قدرت‌های بزرگ جهانی به منظور حفظ منافع سیاسی، اقتصادی، استراتژیکی‌شان در منطقه انجام گرفته و یا به طور غیر مستقیم، از طریق قدرت‌های منطقه شروع شده و سپس به مداخلات قدرت‌های بزرگ منجر شده است. چالش‌های بزرگ منطقه خاورمیانه از جمله جنگ‌های افغانستان، عراق، سوریه، یمن، لبنان، فلسطین و کشاکش‌های جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه و با ایالات متحده آمریکا را می‌توان بخشی از این بحران‌ها به شمار آورد که می‌توانند بنا بر اهمیت نفتِ خلیج فارس برای رشد اقتصاد جهانی به مداخله کشورهای بزرگ دنیا منجر شوند.

دونالد ترامپ همان‌طور که در کارزار انتخاباتی اش وعده داده بود، تحت شعار "آمریکا اول" و به قصد احیای "عظمت امریکا" اقدامات جدی‌ای را به‌مورد اجرا گذاشت. یکی از این اقدام‌های اخیر او، ارسال نیروی نظامی و دریائی بیشتر در منطقه خلیج فارس برای حفظ کنترل کامل بر منابع نفت و گاز در خاورمیانه است. گرچه در گذشته هم آمریکا به منظور دفاع از منافع جناح‌های سرمایه‌نظامی - صنعتی و کارتل‌های نفتی، سیاست‌های خود را برای حفظ توازن نظامی در منطقه و دفاع از امنیت منطقه خاورمیانه و با تشدید تنش و سلطه‌گری و افزایش فروش تسلیحاتی بین کشورهای منطقه را به پیش‌برده و عملاً جنگ‌های خانمانسوزی را همراه با قربانیان فراوان و انبوه بی‌شماری از آوارگان، به ساکنین این منطقه تحمیل کرده است. در این میان دیگر قدرت‌های بزرگ جهانی نیز، چون روسیه با حمایت سیاسی و نظامی از دیکتاتوری‌ها در منطقه، از جمله دیکتاتوری بشار اسد در سوریه و حمایت سیاسی نظامی از جمهوری اسلامی در ایران، به تداوم این بحران‌ها دامن می‌زنند. اتحادیه اروپا و چین نیز از قافله مداخله برای حفظ منافع و نفوذ خود در منطقه خاورمیانه عقب‌نمانده

اند و آشکار و پنهان به دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل آمریکا دست می‌زنند. اما ترامپ استراتژی خود را با منشی سلطه‌گرانه و برتری طلبانه دنبال می‌کند. اعلام خروج یکجانبه آمریکا از "برجام" و اعمال شدیدترین تحریم‌های مالی، بانکی، اقتصادی، تجاری، نفتی و ... تشدید جنگ اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران نمونه‌های شاخصی از این سیاست است. آمریکا می‌کوشد با استفاده از موقعیت برتر مالی، اقتصادی و نظامی خود نسبت به دیگر کشورهای جهان و سیاست‌های جلب حمایت متحدینش در منطقه و جهان، نفوذ و توسعه طلبی نظامی - ایدئولوژیکی اسلامی - شیعی رژیم تمامیت‌خواه و حاکم بر ایران را مهار سازد.

### سیاست‌های تنش‌زا و توسعه طلبانه جمهوری اسلامی

در ادامه سیاست‌های تنش‌آمیز، مداخله‌گرانه و برتری طلبانه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در کنار کمک‌های مالی و نظامی به نیروهای شیعه مدافع خود در کشورهای دور و نزدیک و جنجال تبلیغاتی روزانه، جمهوری اسلامی ایران مبنی بر صدور انقلاب و جهان‌نگیر شدن اسلام از طریق تبدیل شدن به قدرتمندترین کشور منطقه که برای برخی از دولت‌ها عامل بی‌ثباتی و تهدید امنیتی ارزیابی می‌شود، سبب نزدیکی‌ها و تشکیل ائتلاف‌های بی‌سابقه نظامی و سیاسی بین حکومت‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای قدرتمند بین‌المللی، متشکل از آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و دیگر کشورهای همکاری خلیج فارس برای مقابله با نفوذ نظامی سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی در کشورهای عراق، سوریه، جنوب لبنان، نوار غزه، یمن و افغانستان شده است. این ائتلاف‌ها می‌توانند به مداخله و حمله نظامی به ایران منتهی شوند.

### خطر جنگ و حمله نظامی به ایران

افزایش حجم خرید تسلیحاتی کشورهای عربی در راستای تحقق سیاست‌های دفاعی خود و متحدینشان در منطقه به قصد حفظ منافع خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران، معاملات تسلیحاتی کلان کشورهای نفت‌خیز عربی یکی از موثرترین اقدامات در جهت سرریز شدن درآمدهای نفتی این کشورها به بازار فروش کشورهای تولیدکننده سلاح و تجهیزات جنگی بوده است که نقش مهمی در ایجاد توازن ارزی در بازار و ثبات

اقتصادی این کشورها داشته و سودهای کلانی را برای دلان آن در این کشورها به ارمغان می آورد. جمهوری اسلامی ایران نیز برای تحقق برنامه های توسعه طلبانه ایدئولوژیک شیعه گری و نظامی اش مبنی بر کسب جایگاه برتر در منطقه، تاکنون هزینه های هنگفتی را به مردم ایران به قیمت از بین بردن رفاه عمومی، رشد و تشدید فقر در وسیعترین اقشار و طبقات اجتماعی مردم تحمیل کرده است و پیامدهای سرکوبگرانه ای برای جنبش های اعتراضی و اجتماعی مردم در ایران داشته است.

در چنین وضعیتی، با همسویی و همگرایی هر چه بیشتر جناح های هیئت حاکمه (اصول گرایان، اعتدالیون و اصلاح طلبان) در ادامه سیاست های تنش زا و بحران ساز جمهوری اسلامی، با توجه به تغییر و تحولات منطقه ای و تشدید مداوم تخاصمات و تحریم های بین المللی (خروج آمریکا از برجام، تشکیل کنفرانس بین المللی ورشو و اخیرا با قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه های تروریستی و توقف معافیت خریداران نفت ایران از طرف آمریکا...) هر زمان میتواند تاثیر تهدیدها را از حد یک جنگ روانی و پرخاشگری تبلیغاتی فراتر برده و عملا به درگیری های نظامی بکشانند. در چنین شرایطی با وخیم تر شدن اوضاع و تلاشی شیرازه زندگی میلیون ها تن از ساکنین منطقه، نه تنها امنیت خاورمیانه بلکه صلح جهانی به طور جدی در خطر خواهد افتاد.

### رشد اعتراضات، مقاومتها و مبارزات مردمی

بدتر شدن وخامت اوضاع اقتصادی، معیشتی، گرانی های کمر شکن و تشدید سرکوب و خفقان بیش از پیش و بی سابقه به رشد سلسله اعتراضات گسترده سراسری و تظاهرات خیابانی و اعتصاب های کارخانه ای کشیده است. به گزارش سازمان عفو بین الملل در بهمن ماه ۱۳۹۷، رژیم در سال پیش نیز همچون 40 سال گذشته با بیشتر امنیتی کردن فضای سیاسی و فشار بی حد به حوزه عمومی، اقدام به سرکوب گسترده تر اعتراض های کارگران، زنان، معلمان و فرهنگیان، دانشگاہیان و دانشجویان، بازنشستگان، کنشگران ملیتی، کشاورزان، فعالان محیط زیستی، رانندگان و کامیون داران، پیروان مذاهب غیر شیعی، فعالین حقوق بشری و وکلای مدافع این حقوق، کنشگران مدنی، مالباختگان، نویسندگان و تشکل های سیاسی منتقد به طور سیستماتیک کرده است. جنبش کارگری در همین سال با برپایی اعتصاب های طولانی مدت و

همزمان و نیز اعتصاب های سراسری مرحله نوینی از همبستگی مبارزاتی را نشان داد. از این رو تحت شدیدترین ضربات نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت. با این حال وضعیت نابسامان اجتماعی ناشی از بحران های چندگانه ساختاری و تشدید فشارهای اقتصادی به رشد اعتراضات کمک کرده و زمینه های مناسبی را در بستر مبارزات جاری برای دگرگونی های بنیادین نظام به وجود آورده است. البته تغییرات بنیادین مشروط بر این که از یک سوی، جنبش های اجتماعی از همسوئی لازم برای رسیدن به دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی برخوردار باشند و از سوی دیگر، نیروهای اپوزیسیون مترقی، به ویژه جمهوری خواهان دموکرات از صفوفی متشکل و مبتنی بر برنامه روشن برای این تغییر و تحولات در پهنه سیاسی کشور، حضوری برجسته ای پیدا کنند.

در سال گذشته در هم آمیزی بحران های چندگانه رژیم در سطح سیاست های داخلی و خارجی به خصوص پس از شورش سراسری دی ماه 1396 و ادامه سلسله اعتراضات و اعتصاب های اقشار و طبقات زحمتکش و ستم دیده، از آن زمان تا کنون علیه نابسامانی های موجود ناتوانی های حکومت در رفع بحران ها بیش از هر زمان به نمایش گذاشت و روند فروپاشی نظام را نمایان تر کرد. در اثر این شرایط پهنه سیاسی کشور بار دیگر شاهد جنب و جوش های تازه در صفوف مخالفان رژیم شد که به دنبال آن نزدیکی ها و دوری های جریانات سیاسی جدیدی را به بارآورد.

## اوضاع اپوزیسیون

بخشی از نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی با تکیه به حمایت های مالی، امنیتی، سیاسی، اطلاعاتی قدرت های جهانی از جمله آمریکا، چشم به راه مداخلات سیاسی، اقتصادی و نظامی ائتلاف ارتجاع جهانی و منطقه به رهبری آمریکا نشسته اند و نجات از استبداد دین سالار جمهوری اسلامی را در بازگشت به استبداد مخلوع، شاه سالاری، به مردم وعده می دهند و به امید "تعویض رژیم" توسط کاخ سفید روز شماری می کنند و بخشی به وساطت بنیادگران مذهبی ارتجاعی - افراطی مانند بولتون و پمپئو و جولیان، رویای کسب قدرت پس از سقوط رژیم توسط ترامپ و همکارانش را در سر می پرورانند. بخشی دیگر با تکیه بر ارزیابی شتاب زده خود می پندارد که رژیم در آستانه فروریزی بسیار نزدیک است و بزودی روز موعود فرا می رسد و تنها کار مهم و لازم نیروهای مخالف نظام جمهوری اسلامی تنها تدارک "مدیریت و رهبری"

دوران پسا براندازی است.

## لزوم همکاری جمهوریخواهان دموکرات

ما و بسیاری از مخالفین جمهوری اسلامی بر این باوریم که نظام حاکم با تاکید و تکیه بر توانمندی جنبش های اجتماعی آزادی خواه، دموکراتیک و عدالت جوی مردم ایران و به پشتوانه نیروها و نهادهای مردمی و مترقی و بشر دوست جهانی، امر رهایی از ستم های طبقاتی، ملیتی، جنسیتی و... را در راستای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ایجاد جمهوری، دموکراسی و جدائی دولت و دین بر مبنای منشور جهانی حقوق بشر می دانند. این بخش از اپوزیسیون به رغم داشتن نفوذ معینی در میان گروه ها و اقشار پیشرو جامعه و برخورداری از توان های فکری و عملی، هنوز با پراکندگی شدید رو به رو است و فاقد همسوئی و هماهنگی های لازم برای تأثیرگذاری بر روند جنبش های اجتماعی در ایران است. برای رفع این کمبود و همچنین به منظور تحقق همگرایی به عنوان نیاز مبرم جنبش، جمهوری خواهان دموکرات و لائیک و جریان های سیاسی این طیف گسترده، می باید بیش از پیش، گام های جدی در راه همکاری های ضروری میان خود بردارند.

ما بر این باوریم که از یک سوی با دامن زدن به گفتگوها بر سر مسائل گرهی جاری و آتی جامعه و تشخیص تفاوت ها و نزدیکی ها به منظور ایجاد تفاهم و از سوی دیگر با سازماندهی به فعالیت های مشترک بر پایه اصول و ارزش های جمهوری خواهانه و دموکراتیک مبتنی بر حقوق بشر، می توان بستری برای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی، مبارزات و اعتراضات به حق و مترقی مردمان ایران بوجود آورد. در شرایط کنونی تنها در روند یک چنین مبارزه مشترکی است که می توان جایگاه برجسته ای در پشتیبانی از جنبش های اجتماعی در ایران برای دست یابی به آزادی، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی پیدا کرد.

با دامن زدن به گفتگوها بر سر مسائل گرهی جاری و آتی جامعه و تشخیص تفاوت ها و نزدیکی ها به منظور ایجاد تفاهم از یک سو و از سوی دیگر با سازماندهی به فعالیت های مشترک بر پایه اصول و ارزش های جمهوری خواهانه و دموکراتیک مبتنی بر حقوق بشر می توان بستری برای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی، مبارزات و اعتراضات به حق و مترقی مردمان ایران بوجود آورد. در شرایط کنونی تنها در روند یک چنین مبارزه ی مشترکی است که میتوان جایگاه برجسته ای در

پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی در ایران برای دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی پیدا کرد.

شوربختانه پهنه سیاسی کشور در سال‌های اخیر شاهد روی آوری شخصیت‌ها، نیروها، احزاب سیاسی و حتی بخش‌هایی از توده‌های ناراضی مردم به "حمایت‌های" قدرت‌های جهانی است که بی‌تردید می‌توان آن را یکی از پیامدهای ضعف و ناتوانی نیروهای جمهوری خواه دموکرات در مبارزات جاری مردم ایران و فقدان حمایت و پشتیبانی سازمان‌ها احزاب و جریان‌های مترقی جهانی دانست. تا زمانی که در درون و برون مرزهای کشور هنوز بدیل اجتماعی قابل قبولی برای پسا جمهوری اسلامی بوجود نیامده و نیروهای جمهوری خواه دموکرات هنوز زبان‌گویای ناراضی‌ها و اعتراض‌های به حق مردمی نشده‌اند، مشکل می‌توان تصور کرد که نیروها، احزاب و تشکل‌های دموکراتیک و آزادی خواه جهانی به عنوان پشتیبانان بین‌المللی و حمایت‌کنندگان مبارزات مردمی پا به میدان بگذارند. در چنین کمبودی، جذابیت و تاثیر گذاری دستگاه‌های تبلیغاتی قدرت‌های خارجی دو چندان است.

### وظیفه جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

جمهوری خواهان دموکرات و لائیک (هواداران جدایی دولت و دین) به عنوان بخش قاطع و رادیکال مخالف رژیم جمهوری اسلامی با نگاهی واقع‌بینانه و بدور از ارزیابی‌های شتابزده و جنجالی رسانه‌ها، باید با سازماندهی مبارزه‌ای فراگیر، مشترک و همسو، گام‌های جدی در راه ایجاد اپوزیسیونی توانمند و مورد اعتماد و اعتبار بردارند تا بتوانند از مبارزات و جنبش‌های اجتماعی در ایران به صورت شایسته و درخوری پشتیبانی کنند. بویژه در دورانی که نظام در حل بحران‌های ناشی از 40 سال سیاست‌های نادرست و مخرب ناکارآمد و سرکوبگر خود، روز به روز ناتوان‌تر شده است. به طور کلی در نبود یک اپوزیسیون آزادی خواه استقلال طلب و جمهوری خواه در ایران، هر زمان این خطر وجود دارد که اعتراضات و حتی شورش‌های مردمی گسترده به ابزاری در خدمت منافع نیروهای ارتجاعی داخلی یا خارجی یا ائتلافی از این دو، قرار گیرند و تلاش‌های مردم برای دست یافتن به دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی، برابر حقوقی و استقلال، بار دیگر برای ده سال به تعویق افتد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران بر خود می‌داند که به

موازات استقبال از فراخوان های متعدد نیروهای جمهوری خواه و دموکرات به منظور سازماندهی همکاری های مشترک، تلاش های تاکنونی خود را در راستای شکل گیری همکاری های منسجم نیروهای این طیف و برای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان ایران ادامه دهد. این همکاری ها چه در شکل موردی و چه در نوع پایدار آن می توانند راهکارهای موثری در راستای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان ایران باشند. بدون تشکیل جبهه گسترده نهادها، جریان ها و احزاب جمهوری خواه، دموکرات و طرفدار جدایی دین از دولت و بدون پیوند تنگاتنگ آنها، تحقق جمهوریت، دموکراسی و جدائی دولت و دین در ساختاری تمرکززدا (در اشکال: خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...) در ایران میسر نخواهد شد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران به رغم پافشاری بر این اصل خدشه ناپذیر که بار تعیین سرنوشت سیاسی جامعه بر دوش مردمان ایران است، بر این امر آگاه است که براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی، همچنین در گرو پشتیبانی وسیع افراد، نیروها، نهادها و احزاب آزادی خواه، دموکراسی طلب و بشر دوست جهانی است.

پوینده باد جنبش های اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان  
ایران!

زنده باد همبستگی بین المللی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

بر قرار باد جمهوری، دموکراسی، جدائی دولت و دین!

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

8 ژوئیه 2019 - 17 تیر 1398

تذکر: این بیانیه سیاسی در گردهمایی سراسری نهم جنبش

جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران ( 11-12 مه 2019 - 21-22 اردیبهشت 1398)، در کلیات خود مورد تأیید گردهمایی قرار گرفت. در تاریخ 8 ژوئیه 2019 - 17 تیر 1398، در نشست رسمی همراهان جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، به تصویب برای انتشار عمومی رسید.

## بالا گرفتن تنش، افزایش خطر جنگ

فرستی برای سرکوب مبارزات مردم ما علیه نظام جنایت کار و فاسد جمهوری اسلامی ایران!

هفته گذشته، دولت ایالات متحده آمریکا در تداوم و تشدید تحریم ها و به دنبال تلاش برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران و با هدف فشار حداکثر به رژیم جمهوری اسلامی، صنایع آهن، فولاد، آلومینیم و مس را نیز به لیست تحریم ها اضافه کرد. همچنین در روزهای اخیر، ناو هواپیما بر "آبراهام لینکلن" و بمب افکن های "ب - 52"



عازم خلیج فارس شدند. جمهوری اسلامی نیز از یک سو ارتباطات خود با گروه های شبه نظامی تحت حمایتش در منطقه را فعالتر کرده و گفتمان تهدید آمیزش بر علیه آمریکا را شدت بخشیده و هشدار داده است که در صورت لزوم به منافع این کشور در سرتاسر دنیا و بخصوص در منطقه، ضربه های جدی وارد خواهد کرد. این تحریکات، خطر درگیری نظامی و بروز جنگ خانمانسوز در ایران و منطقه را افزایش داده است.

همزمان با اقدامات عملی تنش افزا، از یک طرف، سران و مسئولین نظامی و سیاسی دو کشور بر طبل جنگ و تحریکات متقابل می کوبند و زمینه ای فراهم می کنند که می تواند خواسته و یا ناخواسته در اثر جرقه ای، جنگ شعله ور شده، هزاران انسان بیگناه و کل منطقه را به کام مرگ و نیستی بکشاند و از طرف دیگر همدیگر را دعوت به مذاکره می کنند.

در روزهای اخیر همچنین شاهد قدرت نمایی و شاخ و شانه کشیدن های



برخی از مقامات سپاه و بسیج و تحریکات متقابل برخی دیگر از طرفداران تشدید تحریم و طرفدار جنگ افروزی توسط شخصیت های نظامی ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و اسرائیل نیز بوده ایم. انتصاب دریادار علی فدوی به عنوان جانشین فرمانده کل سپاه با توجه به سابقه او (بازداشت ۱۰ ملوان آمریکایی در سال ۱۳۹۵) و محمد رضا نقدی به عنوان هماهنگ کننده سپاه پاسداران (با سابقه امنیتی و اطلاعاتی و رابطه خوبی که با فرماندهان حشد الشعبی دارد)، از جانب خامنه ای را می توان نمونه دیگری از این قدرت نمایی ها تعبیر کرد. هر چند یکی از اصلی ترین دلایل این گزینش ها، می تواند هراس از شورش و اعتراضات مردمی و به نوعی اعلام آمادگی و تدارک برای سرکوب گسترده خیزش همگانی مردم باشد.

با توجه به تحریکات متقابل سران سیاسی نظامی دو کشور و نظرسنجی های گوناگون که نشان می دهند اکثریت مردم آمریکا موافق وارد شدن به یک جنگ دیگر و پرداخت هزینه های مالی و انسانی آن نیستند، بنظر میرسد که در وهله اول، ترامپ قصد دارد رژیم جمهوری اسلامی ایران را در موضعی کاملا ضعیف به پای میز مذاکره بکشاند و از آن به عنوان یک موفقیت در عرصه دیپلماسی خارجی استفاده انتخاباتی کند. رژیم ایران نیز علیرغم رجز خوانی ها، در پی راه و چاره ایست که با حفظ "آبروی نداشته" و با لاپوشانی موقعیت بحرانی وضعیفش، شرایط آمریکا را اندکی تعدیل نموده و با این کشور وارد مذاکره شود.

هر چند با این ارزیابی، در حال حاضر نمی توان "قریب الوقوع بودن" جنگ و درگیری نظامی را نتیجه گیری نمود اما باید در نظر داشت که در شرایط فعلی، منطقه خاورمیانه و بویژه حوزه خلیج فارس شبیه به بشکه ای از باروت است که هر اتفاق کوچکی می تواند باعث انفجار آن شده و منجر به درگیری نظامی بین ایران و آمریکا و همچنین برخی از کشورهای منطقه (عربستان سعودی، امارات متحده، قطر، اسرائیل و...) شود. ضمنا باید توجه داشت که آمریکا گزینه "جنگ محدود" به عبارتی بمباران نقاط استراتژیک ایران، را برای به زانو در آوردن و تسلیم کردن رژیم (نه الزاما سرنگونی آن)، در نظر داشته و منتفی نمی داند. البته در این صورت، مهار "جنگ محدود" و جلوگیری از گسترش و دامنه درگیریهای نظامی در منطقه بسیار دشوار به نظر می رسد.

در این فضای پرتنش، وضعیت ناهنجار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و مبارزات حق طلبانه مردم، اخبار و افکار عمومی در داخل و خارج، درسایه احتمال بروز درگیری نظامی و جنگ قرار گرفته اند. فاجعه

سیل مرگبار و عواقب آن عملاً به حاشیه رانده شده اند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با بهره گیری از این اوضاع نه تنها به دستگیری و زندانی کردن فعالین سیاسی مدنی همچنان ادامه می دهد بلکه جنبش های اعتراضی مردم در خطر سرکوب بیشتر قرار گرفته اند.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران”، صف آرای نظامی و وضعیت جنگی را بـ سود مردم ایران و منطقـ نمیداند و فکر میکند جنبش های در حال اعتلای مردمی، بر اثر تشدید فشارهای پلیسی ناشی از جنگ، در تنگنای گسترده تری قرار گرفته و وادار بـ عقب نشینی میشوند. ما همچنین ادامه و تشدید تحریم هایی که بار و فشار آن قبل از هرچیز بر دوش اقشار وسیعی از مردم سنگینی کند و نیز به ویژه درگیری نظامی و جنگ را قاطعانه محکوم کرده و ضمن رد و افشای اقدامات سطله جویانه و مداخله گرانه خارجی، به ویژه آمریکا، با صدای بلند اعلام می کنیم که مسئولیت اصلی این اوضاع فرسایشی، بحرانی، پرتنش و خطرناک، در درجه اول متوجه رژیم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران می باشد.

مداخله گری این رژیم در امور داخلی کشورهای همسایه، تشکیل، استفاده و پشتیبانی از گروه های نظامی و شبه نظامی به عنوان ابزار سرکوب و ترور در داخل و عملیات تروریستی در خارج از مرزهای ایران، از عوامل اصلی ایجاد این شرایط بحرانی و خطرناک برای مردمان ایران و منطقه هستند. ما ضمن اعلام مخالفت با هرگونه دخالت خارجی در امور مربوط به حق تعیین سرنوشت مردم ایران، عمیقاً بر این باوریم که تنها راه برون رفت از بحران و تنش و سایر مصیبت هایی که مردم و جامعه ما طی ۴۰ سال متحمل آن شده اند، حرکت در جهت سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی ایران با اتکا به نیروی توده ها می باشد.

نه به تنش، نه به جنگ

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” \*

2 خرداد 1398 - 23 مه 2019

\*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : اتحاد دمکراتیک آذربایجان -

بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن  
دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان،  
حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد  
فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، کومه له  
زحمتکشان کردستان

# میزگرد سیاسی و بحث آزاد

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

یکشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۱۹ - از ساعت ۲۰:۳۰ تا ۲۳:۳۰

در تالار مجازی پالتاک

موضوع :

ضرورت اتحاد عمل نیروی های جمهوری خواه دمکرات

(نگاهی به فراخوان همکاری مشترک ده جریان جمهوری خواه و تفاهم  
نامه مورد توافق آنان)

آغازگران بحث:

احمد آزاد: سازمان اتحاد فدائیان خلق

منا سیلاوی: سخنگوی حزب تضامن دمکراتیک اهواز

خسرو امیری: جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

سعید عزیزی: اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک

آدرس تالار مجازی

Paltalk

Asia and pacific -1

Iran -2

Jonbesh Jomhuri Khahan Democrat va Laic Iran-3

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

---

# فراخوان به میزگرد سیاسی و بحث آزاد

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران برگزار  
می کند

مبارزات مردم کشور ما علیه حکومت ناکارآمد و سرکوبگر جمهوری اسلامی هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند. جمهوری اسلامی ناتوان از حل کوچکترین مشکل کشور، تنها راه حل بقای خود را سرکوب و فشار بیشتری بیند. مجموع شرایط بین المللی و داخلی حاکی از سقوط این نظام دینی و ضد انسانی است. یکی از دغدغه های مهم امروز اپوزیسیون، جامعه سیاسی و روشنفکری ما، نوع نظام و ساختار سیاسی

آینده کشور در پسا جمهوری اسلامی است. برخی دولت متمرکز را عامل استبداد در ایران و راه حل را یک نظام غیر متمرکز میدانند. برخی نیز از یک سو با توجه به تنوع فرهنگی، زبانی و ملی/قومی در ایران و از سوی دیگر بی عدالتی و سرکوب مضاعف در مناطق مختلف کشور، راه حل را یک نظام فدراتیو می دانند.

در این راه ما با برگزاری جلسات بحث و گفتگو، سعی در روشن شدن زوایای گوناگون این موضوع حساس و مهم آینده کشورمان خواهیم کرد. لذا شما را به یک میزگرد و بحث آزاد دعوت می کنیم.

موضوع :

**دولت غیر متمرکز و فدرالیسم**

آغاز گران بحث:

**کاوه آهنگری - احسان دهکردی - رئوف کعبی**

زمان :

**یکشنبه ۲۵ نوامبر از ساعت ۲۰:۰۰ تا ۲۳:۰۰ به وقت اروپا**

آدرس اتاق مجازی

**Asia and pacific**

**IRAN**

**Jonbesh Jomhuri Khahan Democrat va Laic Iran**

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران